

# ویژگیهای چشمگیر دانش‌آموزان تیزهوش و نیازهای آنان

ملک سیما احمدیه

«همکار ما خانم احمدیه تجربیات خود در مرکز فرزندان تهران را تحت عنوان «روانشناسی پرورش استعدادها» در ۱۲ فصل تنظیم و به زیر چاپ فرستاده است. از آنجا که انتقال این تجربیات می‌تواند برای همکاران آموزشی و اولیاء محترم دانش‌آموزان مفید باشد، به انعکاس فصل ۱۱ آن جهت خوانندگان مجله می‌پردازیم.»

این مبحث از گفتار خود را از میان سخنان و یادداشتهای دانش‌آموزان تیزهوش که مجموعاً چند سال از ایام خدمت خود را در میان آنان گذرانده‌ام دست‌چین کرده و ارائه می‌کنم. شاید بتوان با مطالعه این نظریات اولاً در شناخت دانش‌آموزان تیزهوش بیشتر دقت کرده و ثانیاً نسبت به تنظیم برنامه‌های زندگی آنان اعم از زندگی در خانواده و زندگی در مدرسه بیشتر تعمق کنیم. باشد که در «شمار خرد» یک تن از آنان هزاران گردد و گره از مشکلات کور بشریت گشوده شود، که تیزهوشان هدایای بیکران الهی هستند بر تمامی بشریت. اینک به نقل پاره‌ای از سخنان دانش‌آموزان تیزهوش می‌پردازم که نگارنده نیز به کمک تجربه آن را لمس کرده است.

□ ممکن است که از یک تیزهوش انتظاراتی فوق مردم عادی جایز باشد، ولی گاهی اوقات این انتظارات اثری کاملاً منفی دارد. اکثراً خانواده‌ها و مدارس فکر می‌کنند که یک دانش‌آموز تیزهوش فقط باید در چارچوب بسته درس، خود را حبس کند در حالیکه استعدادهای او در همه زمینه‌ها اغلب درخشان است. او در برخوردهای دیگران با خود به صداقت به نحو خاصی اهمیت می‌دهد. اگر دیگران با او صدیق نباشند به زودی این نکته را درک می‌کند. بنابراین چنانچه از طریق اعتماد به وی، کارها را دنبال کنند معمولاً او نیز کمتر دنبال خطا می‌رود. زیرا باید در نظر داشت که او بیشتر از بقیه و سریعتر از دیگران اوضاع اطراف خود را درک می‌کند و طبیعتاً در مقابل رفتارها بسیار دقیق و حساس است.

□ اگر به روحیات او توجه کنند و به او امکان شکفتن بدهند و به جای سرکوب او را تشویق کرده و راه برخورد با مسائل مختلف را به وی نشان دهند، پیشرفت او بسیار سریع و چشمگیر خواهد بود.

در غیر اینصورت باید اعتراف کرد که دانش‌آموزان تیزهوش اکثراً طبیعتی لجباز دارند و در صورتیکه بدون ارائه دلایل قانع کننده با آنها سخت‌گیری شود و کارها بدون توضیح کافی و منطقی به آنان تحمیل شود، نتیجه خوبی بدست نخواهد آمد.

□ مصاحبین و معلمین اشخاص تیزهوش بهتر است قبول کنند که دوست و یا شاگرد آنان انسانی است که به صمیمیت، شادی و رازداری تمایل زیادی دارد. پس در تنظیم رفتارهای مدرسه‌ای و خانوادگی باید با آنها به گونه خاصی رفتار شود.

□ از آنجا که امکانات و استعدادهای بالقوه آنان بیشتر است آنها مایلند وظایف حساستر و گسترده‌تری را به عهده بگیرند.

پس تعلیم و تربیت آنها باید به شیوه‌های صورت پذیرد که تبلور این تواناییها سبب برتری جویی کاذب و غرورآمیز آنان نشود باید اعتراف کرد که اگر تیزهوشان درست شناسایی نشوند موجوداتی از زیر کار دررو شده و عموماً کارها را به این و آن خواهند سپرد. پس برای جلوگیری از این پدیده که بسیار هم در آنها می‌تواند ریشه بدواند می‌بایستی انگیزه انجام کارها به نحوی دلپذیر و مطلوب در آنان تقویت شده و علایق و ذوقهای مختلف آنان در زمینه‌های گوناگون به کار گرفته شود.

□ به علاوه قبول این دسته از وظایف و مسئولیتها باید با ارائه اختیارات کافی و مناسب از طرف مسئولین مدارس و پدران و مادران همراه باشد. مخصوصاً در مجالس و مجامع مختلف اعم از کلاسهای درس و یا محیطهای مختلف خانوادگی آنان مایلند از حق اظهار نظر و عقیده و سلیقه به قدر کافی برخوردار باشند. دعوت یک انسان توانا و هوشمند به سکوت در آنجا که می‌تواند سخنی مناسب و مفید گوید یا کاری مثمر ثمر انجام دهد چون سردابی سرد و تاریک بر او جلوه گر شده و حلاوت و جاذبه کار و حرکت را از او باز می‌ستانند. عموماً اشخاص تیزهوش به سادگی می‌توانند افراد را زیر ذره‌بین بگذارند و رفتارهای ناخوشایند را از رفتارهای صحیح تشخیص دهند. به این دلیل بهتر است پدران و مادران و اولیاء مدارس در ایجاد رابطه عاطفی صحیح با آنان پیشقدم شوند و راز پنهان بسیاری از نیکیه‌ها را بر آنان آشکار کرده و راهگشایی مفید و مهربان باشند.

برای درک بهتر مطلب رواست اگر پدران و مادران و معلمین محترم در مواقع مورد شک و تردید حتماً خود را به جای فرزندان و یا شاگردان تیزهوش خود قرار داده و بعد تصمیم‌گیری کنند و از خود بپرسند: راستی اگر من یک تیزهوش بودم دوست داشتم چگونه با من رفتار کنند و همین جاست که لازم می‌آید آنها خود انسانهایی هستی‌بخش و توانا باشند و با مطالعه کافی سر از پیچ و خم نمان زندگی یک تیزهوش در بیاورند.

□ معمولاً دانش‌آموزان تیزهوش به دلیل درک وسیعتر و سریعتری که از اطراف و اکناف خود دارند از مشکلات بیشتری نیز برخوردار می‌شوند. یکی از بدترین مشکلات آنان به هنگامی حاصل می‌شود که با پدیده بسیار تلخ اُفت تحصیلی روبرو شوند. اگر به موقع به این مشکل رسیدگی نشود بسیار اتفاق افتاده است که دچار لجبازی، عصبانیت، بدخلقی و بی‌اعتنایی نسبت به مسائل شده و به کل از درس و مدرسه زده می‌شوند. رسیدگی به این امر و التیام بخشیدن به این درد با رفتار خشک و بی‌عاطفه مسئولین به هیچوجه میسر نخواهد بود. در این دسته از عکس‌العملها نه تنها مشکل حل نمی‌شود بلکه خدای نکرده سبب کینه اندوزی شخص از اطرافیانش نیز خواهد شد.

□ از آنجا که یک دانش‌آموز تیزهوش از لحاظ فکری نسبت به همسالان خود به هر حال بالاتر است، به همین دلیل نیابستی احساسات او را به‌جگانه پنداشته و او را بی‌جهت تخفیف و تحقیر نمود. اگر ضرر این کار در یک انسان عادی ضریب اهمیتی برابر با ۲ داشته باشد، ضریب اهمیت آن در یک تیزهوش عددی مساوی با ۴ و بلکه بیشتر از آن خواهد بود. باید جهت جلوگیری از احساس برتری و خود بزرگ بینی، از لحاظ مسائل انسانی او را همسان با یک دانش‌آموز عادی قرار داد ولی به ناگزیر باید برایش امکانات بیشتری را در نظر گرفت. زیرا اگر دیگران بطور عادی راه می‌روند، در انواع فعالیتهای علمی و ادبی و هنری و ... او حالتی از جهش و دویدن را دارد. شاید به همین دلایل باشد که یک دانش‌آموز تیزهوش توقع زیادی از خود دارد و غرور و تعصب خاصی روی نمره‌ها و رتبه‌هایش می‌ورزد. توقع زیاد او از اطرافیانش نیز معمولاً به دلیل همین دسته از تواناییهاست. او به ناچار با هیکلی مشابه دیگر همسالان خود بار بزرگی را بر دوش خود احساس می‌کند. باید کاری کرد که او از حمل این بار سنگین خسته نشده و کوله‌بار «هوش» خود را از فرط خستگی بر دیوار نکوبد. در آن صورت فاجعه به یقین رخ خواهد داد. به هر حال او حامل بار الکتریکی مثبت بسیار سنگین و در مواقع زیادی بسیار مفید است. بدیهی است که چگونگی برخورد با این محموله ویژه، هنرمندی خاص و ظریفی را لازم دارد.

□ از مشکلات بزرگ دانش‌آموزان تیزهوش یکی این است که وقتی از نظر بُعد اجتماعی در محیطی قرار می‌گیرند، فوراً دیگران او را تافته جدا بافته تصور می‌کنند و به همانند یک ترجیع بند بعد از چند جمله گفتگو به او می‌گویند: .... «ولی تو آخر خیلی تیزهوشی!» و در تمامی موارد این موضوع را تسری می‌دهند. فی‌المثل هرگاه نمره بدی بگیرد، به او با نظر بدتری نگاه

می‌کنند و وای از آن وقتی که به دلایل مختلف نتواند تحصیلات خود را در یک واحد تیزهوش مخصوص که قبلاً به آنجا می‌رفته است ادامه دهد ...، در واقع گویا فاجعه بسیار بزرگی رخ داده است. آثار روانی این عکس‌العملها روح جوان و حساس او را به راستی خرد می‌کند. اگر چه به علت دارا بودن ویژگیهای خاص در ظاهر به این مشکلات می‌خندد ولی در درون به شدت برآشفته است. و مجموعاً این عکس‌العملها متأسفانه او را در جمع دانش‌آموزان عادی به گوشه‌گیری می‌کشاند. گاه بیرون او به حدی بی‌تفاوت جلوه می‌کند که دیگران می‌پندارند با عجب آدم خونسرد و بی‌تفاوتی روبرو هستند! مجموعه این رویدادها و عکس‌العملها متأسفانه او را در جمع دانش‌آموزان به انزوا می‌کشاند بطوری که او دیگر قادر نیست که در مجالس مختلف آن شور و شوق را ابراز کند. مثل اینکه همه چشمها با ذره‌بین او را می‌پایند. اگر انزوا حاکم نشود، پرخاشگری، طغیان و عصبانیت جایگزین آن می‌شود. گاه تمامی این عوامل بر او احاطه شده و اطرافیانش از شناخت روحیات جدید او عاجز می‌شوند و او به تنهایی و به سختی در این تنگناها باید راه خود را بیابد و البته این کار چندان هم ساده نیست. در این موقعیت در مقابل دانش‌آموزانی در سطح تحصیلی خود و یا بالاتر نیمه‌فلج شده، قدرت رقابت با آنان را از دست می‌دهد و از طرف دیگر به علت واکنش سردتر همسالان عادیت‌ر خود در گوشه و کنار احساس می‌کند کم کم به موجودی از اینجا رانده و از آنجا مانده تبدیل می‌شود. در این دسته از مواقع، واقعاً پدران و مادران از یک طرف و اولیاء مدارس مورد بحث از طرف دیگر می‌بایستی سریعاً به داد این بچه‌ها برسند و به سرعت و با دقت وضعیت دانش‌آموزان مورد بحث را مطالعه کرده و نسبت به رفع نقیصه‌های موجود دلسوزانه و هشیارانه اقدام نمایند. نه آنکه خدای نکرده، بدتر، روحیه آنان را تضعیف نموده و با تهدید و آزارهای روحی جدید موقعیتی را سبب شوند که او بیش از پیش مشکل خود را بال و پر بخشیده و به انسانی کتک خورده تبدیل شود. نفوذ متقابل جمع دوستان را در این شرایط نمی‌توان نادیده گرفت. وجود چند نقطه بحرانی دردناک در سنین نوجوانی تیزهوشان سبب تسری این نقاط به دیگر همسالان آنان در مدرسه شده و به کانون بزرگتری از تعصبات گروهی و واکنشهای رفتاری حاد، تبدیل می‌شود.

□ همبستگی نوجوانان تیزهوش با همدیگر به هنگام برخورد با این دسته از مشکلات مشترک معمولاً کادر مدیریت مدرسه و خانواده را به سختی به خود مشغول می‌کند. در اینجا آینده و سرنوشت او به واکنشهای مربوط به این موضوع از طرف معلمین مدرسه و بزرگترهای خانه بستگی زیاد خواهد داشت.

□ اصولاً در مواقعی که بزرگترها اعم از پدران و مادران و یا معلمین به درستی نمی‌دانند که با یک انسان تیزهوش کودک یا نوجوان چگونه رفتار کنند، آن کودک یا نوجوان تیزهوش به شدت گیج می‌شود. نمی‌داند آینده‌اش را چگونه ترسیم کند و مرتباً در مرز میان پیروزی و شکست دست و پا می‌زند. تردید او را می‌آزارد و نمی‌فهمد در چه صورتی وضع بهتری خواهد داشت، آیا اساساً گناهکار است که یک تیزهوش است؟!...

□ بعضی وقتها در مدارس دانش‌آموزان نسبت به شخص بخصوصی حساسیت پیدا می‌کنند. در واقع اعتماد خود را نسبت به وی از دست می‌دهند. یکی از ساده‌ترین راههای حل بحران در این موارد واگذاری مسئولیت پاره‌ای از دانش‌آموزان تیزهوش به شخص خبره و پخته دیگری است همانطور که گاه بیمار بدحال با تغییر پزشک معالج خود وضعیت بحرانی‌اش رو به تعادل میل می‌کند. جابجایی مسئولیتها در مشاوره‌ها و سرپرستیهای گروهی شاگردان نیز می‌تواند به سرعت خاطرات تلخ را زدوده و مجادله را به تفاهم تبدیل کند. در مسائل انسانی موضوع خاطرات تلخ و جایگاه آن مخصوصاً در سنین نوجوانی و علی‌الخصوص در میان گروه ویژه تیزهوشان جای تعمق خاصی دارد. وقتی یک دانش‌آموز عصیان زده در سالهای تحصیلی آتی نیز ناچار باشد با همان پرونده تلخی که مدت‌ها پیش برگردنش آویخته شده است برای زمانی طولانی با سرپرست بخصوصی که او نیز خاطرات تلخ مشابهی از او دارد، به طور مداوم سرکند، خودبخود آثار روانی ناشی از این موقعیت دامنش را گرفته و رهاکردن این سنگینی و تلخکامی برایش بسیار دشوار می‌شود. مسئولین امر در این موارد به جد باید مفری نو برای دانش‌آموزان گرفتار بیابند.

□ موضوع دیگری که پاره‌ای از تیزهوشان به سختی از آن رنج می‌برند غرور نابجای برخی از اقوام و نزدیکانشان است. به این معنا که آنها با وابستگی خود به یک آدم تیزهوش می‌خواهند مقام و مرتبه خود را بالا برند! و معمولاً این وضعیت برای یک

نوجوان تیزهوش سخت و تا حدودی مشمئز کننده است. گاه مشاهده شده است که نوجوانان در مقابل برخورد با چنین دسته از انعکاسات رفتاری تا سرحد خنگی نیز کارها را به جلو برده‌اند.

□ از آن بدتر انتظار بیش از حد جامعه از تیزهوشان است. چون توانایی تیزهوشان نیز حد و حدودی دارد و قادر نیستند تمام این انتظارات را پاسخ گویند. در مواردی مشاهده شده است که بگویند عطای این تیزهوشی را به لقایش بخشیدیم و به این وسیله خود را از شر کلمه آزاردهنده تیزهوشی و می‌رهانند و اگر از این طریق نتوانند سر درگم می‌شوند.

□ بعضی‌ها تیزهوش را جداً به چشم یک موجود عجیب و غریب می‌نگرند و این حقیقتاً از مشکلات اساسی تیزهوشان جوان به شمار می‌رود تا جایی که حتی در مجامع عمومی از ذکر نام مدرسه خویش، خودداری می‌کنند تا کمتر در تیرس نگاهیایی این چنین قرار بگیرند.

□ از دردهای مشترک پاره‌ای از تیزهوشان غرور نابجای برخی از همراهان و همکلاسانشان است و این طرز فکر که باید درس را فقط سرکلاس آموخت، غرور محصل تیزهوش را افزوده و در نتیجه گهگاه دروغ‌گویی و دورویی را به منظور پس نیفتادن از دیگران سبب می‌شود، و مشاهده همین مطلب موجب آزار شاگردان دیگر می‌گردد.

□ اما سخنی هم درباره شایعه پراکنی‌ها! که یکی از مشکلات گروه کثیری از تیزهوشان است، و از حس کنجکاوی شدید آنها ناشی می‌شود. زیرا به این وسیله می‌خواهند موضوعات مورد بحث را به آزمایش بگذارند و از تمام کارها سردرپیاورند و البته باید مریان در این زمینه به داد فراگیران خود برسند و گر نه ناگهان مشکلات در محیطی نه چندان بزرگ چند برابر جلوه خواهد کرد.

□ گاه در جامعه به مجرد آشنایی با محصلین تیزهوش از آنان سؤالات عجیبی را می‌پرسند با این امید که پاسخ همه سؤالات عجیب را تیزهوشان حتماً باید بدانند! این برای یک تیزهوش درد بزرگی است و برای اینکه از آن فرار کند، اغلب سعی می‌کند حتی المقدور از پرسش سؤالات عادی نیز در مجامع بیگانه و جدید خودداری ورزد. مشکل اساسی دیگر زمانی روی می‌دهد که دبیران محترم نیز تیزهوشی شاگردان را بیش از پیش بزرگ کنند و از آنها بخواهند به جرم آنکه تیزهوش هستند در یک روز سه درس را امتحان بدهند! غافل از آنکه تیزهوشان فقط تیزهوش هستند ولی در اصل یک انسان به شمار می‌آیند و نه دستگاه کامپیوتر!

□ گاهی از اوقات از نظر اجتماعی بیشتر مردم فکر می‌کنند که آسمان شکافته شده و تیزهوش روی زمین افتاده است و به همین دلیل از آنان انتظارات بسیاری دارند. وقتی پرسند معدلت چند شده؟! برخی از آنان به قول خودشان از خجالت آب می‌شوند و حرفی وسط حرف می‌آورند! زیرا آنان فقط انتظار معدل ۲۰ و یا ۱۹/۷۵ را از تیزهوش دارند. در حالیکه فراموش می‌کنند تیزهوش نیز مانند هر انسان دیگری علایقی دارد و ممکن است همه درسها مورد علاقه وی نباشد.

تیزهوش باید احساس کند که هیچکس بی‌جهت قفل و زنجیری را به پای او نبسته است و او تا آنجا آزاد است که خداوند برای پرورش استعدادهای او مجوز این آزادی را صادر کرده است.

تیزهوشان در قفسهای بسته و تنگ زمان و مکان ملول و افسرده می‌شوند. اگر آنها زیاده‌تر از حد معمول دیگران می‌بینند و احساس می‌کنند و برای حرکت پای به جلو می‌نهند، این به واسطه شعله همان آتشی است که خداوند رحمان و رحیم درون آنان به ودیعت گذاشته است. باید که مریان و پدران و مادران به نیکی این هدیه را بشناسد و نسبت به نگهداری آن امین و کوشا باشند.

آنها در عرصه زیباشناسی و عرضه آن به انسانها تیزتر پرواز می‌کنند. در زمینه آزمایشها و خطاها و نتیجه‌گیریها پیشتازترند. سرعت انتقالشان بیشتر و در نتیجه در دنیای یکنواختیها و تکرارها غمین و ملولند.

به هنگام برخورد با آنان باید جهان را از چشمه فیاض نگاه آنان نگریست و ذوق و شوق آنها را احساس کرد و پاسخ گفت. بنابراین آنچه در برخورد با تیزهوشان بیشتر حائز اهمیت است توجه به کیفیت کارها در درجه اول است. برخلاف آنچه در

گذشته‌ها می‌گذشت و می‌اندیشیدند که تیزهوشان خود به موقع راه را از چاه تشخیص خواهند داد، باید گفت به این سادگی‌ها هم که می‌پنداشتند نیست. تیزهوشان دقیقاً به دلیل همان برتریهای ذهنی خاصی که دارند به مربیان کاملتر، مهربانتر، پویاتر، عالمت‌ر و انسانتر نیازمندند. بدیهی است که معلمی این چنین، اگر بتواند فی‌المثل به راحتی یک کلاس ۴۰ نفره عادی را اداره کند، به هنگام برخورد با تیزهوشان می‌بایستی با فراگیران بسیار کمتری مواجه شود، زیرا همان قدر که قدرت آنها در آفرینش نکات مثبت می‌تواند گسترده باشد، در آفرینش دشواریها و دست‌اندازها نیز می‌تواند چشمگیر باشد. در برخورد با آنها به انرژی، فراست، مطالعه و فرزانیکی زیادتری نیاز است. اگر یک دانش‌آموز عادی در خلق یک مشکل خانوادگی یا مدرسه‌ای فقط از یک یا دو زاویه این مشکل را می‌بیند و نسبت به ایجاد آن اقدام می‌کند، یک دانش‌آموز تیزهوش و علی‌الخصوص یک گروه از دانش‌آموزان تیزهوش مسئله را از جوانب بسیاری بررسی کرده و نسبت به ایجاد آن اقدام هماهنگ می‌کنند. لذا ضرورت امر حکم می‌کند که آنها را در گروههای محدودتر مدرسه‌ای و در کلاسهایی با دانش‌آموزان کمتر آموزش بدیم، تا مشکلاتشان زودتر و ساده‌تر شناسایی شود، و نیروهای بالنده آنها که هریک به تنهایی می‌تواند حامل نیرویی سازنده جهت حل مشکلات بشری باشد زودتر و هدایت شده‌تر رها شده و در جایگاههای خیر و برکت و حرکت‌های مفید و مثبت جای گیرد.

□ تشکل آنها از نظر اتحاد قابل توجه است. آنها به سادگی و به سرعت در مقابل مشکلات مشترک گروهی و کلاسی خود مرزبندی می‌کنند و اگر در مقابل آنها نیروهای مطلع و انعطاف‌پذیر به قدر کفایت قرار نگیرند برخورد با آنها بسی دشوارتر خواهد بود.

□ تیزهوشان به همان نسبت که در تولید مشکلات زیرک هستند، می‌توانند در تولید تسهیلات نیز سریع الانتقال و زیرک باشند، بنابراین چه خوب است که در کارها به مشاوره و کمک در حل مشکلات فراخوانده شوند، و در تصمیم‌گیریها از آنان کمک گرفته شود. نظر به اینکه آنان انسانهایی صدیق و صمیمی هستند، هرگاه در این زمینه‌ها سنجیده و حساب شده به آنان بال و پر بخشیم، برخورد با آنان کاری سهل، شیرین و فراموش‌ناشدنی خواهد بود.

اگر بی‌دلیل از جانب معلم و یا یکی از مسئولین مدرسه، یک یا چند تن از دانش‌آموزان در معرض فشارهای عصبی قرار گیرند، معمولاً آن نقطه دردناک فشار، رنج تمامی آنها در کلاس محسوب می‌شود، همانطور که شادیها و پیروزیهایشان نیز چنین تقسیم می‌شود.

پس چه خوب می‌شود اگر آنها را در بن بست قرار ندهیم و درهای این جهان را که خداوند با مهربانی و رحمانیت آفریده است با درایت و صمیمیت بر سر راه آنان بگشاییم.

بگذاریم با حوصله و مهربانی و در آرامش، طبیعت را خط‌خوانی کنند و در این خط‌خوانی بیکران، راهی را به سینه آنها بگشاییم که بتوانند از یک سو عظمت الهی را تسبیح گویند و از سویی دیگر، دستهای نیازمند و تهی انسانها را با مهر بفشارند. قادر شوند از آنچه خداوند با سخاوت به آنان هدیه کرده است توش و توانی نو و مفید به جامعه بشریت عرضه کنند، آنگاه از این رهگذر جنگ را به صلح، ننگ را به شرف، اسارت را به آزادی، برتری نژاد را به تقوی، پلیدی را به نیکی و جهل و تاریکی را به نور تبدیل کنند.

تیزهوشان واقعی - اگر درست تربیت شوند - پیام آوران نور هستند و پیام آوران نور از جمله مقربین درگاه الهی به شمار می‌روند و مقربین تا جهان بوده و هست، براساس سنت الهی حرکتشان حرکتی است از ظلمت به روشنایی و از جهل و گمراهی به هدایت و دستمزدی اینچنین از بارگاه الهی بر تیزهوشان مسئول و خدادوست مبارک و گوارا باد.

